آینه نماد واقعیت نیست

آدمها وقتی به سن بلوغ رسیدند خودشان را در آینه خیلی نگاه می کنند. حالت ابرو، رنگ چشمان، شکل و شمایل بینی، لب، رنگ پوست و شفافیت آن و خلاصه کل اندامشان را حسابی در آینه برانداز می کنند، انگار تازه خودشان را کشف کرده اند. بیشتر انسان ها در این سنین، از دیدن خودشان در آینه لذت می برند و تصور می کنند که خوشگل و خوش هیکلند. بعضی ها هم از دیدن خودشان در آینه سیر نمی شوند، فکر می کنند صورتشان سرزمین زیبایی هاست. بعضی ها هم آنقدر جلوی آینه می‌روند که آدم فکر می کند، آینه به آنها چسبیده، نه اینکه آنها به آینه چسبیده اند. آینه نماد واقعیت نیست، شما را آنطور که خودتان مثبت یا منفی به خود می نگیرید نشان می دهد.

آینه برون

در مقابل آینه ایستاده اید، به ظاهر خود نگاه می کنید، به آینه نزدیک تر می شوید و با دقت بیشتری به صورت و اندام تان نگاه می کنید، به دنبال نواقص خود هستید، با خودتان می گویید که، اگر مثلاً بینی ام را با عمل جراحی کوچک کنم یا قلمی کنم یا اینکه سر بالا کنم، چقدر خوشگل تر می شوم؟ بعد به سراغ لب هایتان می‌روید، تصور می کنید، خیلی بزرگ یا خیلی کوچک است یا وقتی می خندید کل دندانهایتان معلوم می شود، رویش کمی تمرکز می کنید که چکارش کنید بهتر است؟ بعد سراغ دندان هایتان می روید، با خودتان می گویید اگر کمی درشت بود خوشگل می شدید یا اگر صدفی بود چقدر روی زیبایی تان تأثیر می گذاشت؟ سپس به پوست صورت تان نگاه می کنید، وای چقدر لکه دارد! چقدر تیره است! چقدر چاله چوله دارد! باید یک فکر اساسی در موردش بکنم! این جوری نمی شود! همین طوری که جلوی آینه ایستادید، مدام به اجزای چهره تان نگاه می‌کنید، می‌خواهید بدانید که با یک سری عمل جراحی و آرایش، چقدر می توانید روی زیبایی تان کار کنید! تا بلکه یک خودی در اجتماع نشان دهید.

آینه وسیله ای برای کسب زیبایی

ما آدمها از آینه استفاده های مختلفی می کنیم، بعضی‌ها برای آراستن و زیبایی از آن استفاده می کنند، برخی دیگر صرفاً برای مرتبی و نظم. در کل آدمها برای اینکه خود را زیبا کنند جلوی آن می ایستند. آینه ابزاری برای نشان دادن نواقص، زشتی ها و زیبایی هاست، برای آماده شدن در یک مهمانی دقیقه ها و ساعتها در جلوی آن می ایستید و به ظاهر خود می رسید، آرایش می کنید، اصلاح می کنید، موهایتان را مرتب می کنید، تن پوش لباسهایتان را در آن می بینید در کل سعی می کنید برای یک مهمانی زیبا و خوش سیما نشان دهید. اگر آینه نباشد، انجام همه ی این کارها به سختی انجام می شود. فکر کنید آینه ای در کار نباشد آن وقت چه اتفاقی می افتد؟ در این موقعیت ناچارید از آدمهای دیگر کمک بگیرید. به نظر شما آیا همه ی آدمها مثل آینه می توانند ظاهرتان را به شما نشان دهند؟ حتی اگر فرد بسیار دقیقی باشند باز هم ناتوانند. چون دیدگاه آدمها با هم فرق می کند حتی آدمهای دو قلو!

پس هیچ وسیله ای مثل آینه نمی تواند زشتی و زیبایی‌های شما را نشان دهد. آینه تنها وسیله ای است که می تواند شما را در زیبا ساختن تان کمک کند. آینه هرچقدر شفاف تر باشد و کدر نباشد بهتر می تواند زیبایی و زشتی های شما را نشان دهد. تصور کنید بهترین آرایشگر شما را آرایش کرده، اطرافیان از شما خیلی تعریف و تمجید می کنند منتهی آینه ای وجود ندارد که شما خود را در آن ببینید، هر چقدر اطرافیان زیبایی شما را تعریف کنند باز چون خودتان را در آینه ندیدید اصلاً نمی توانید از زیبایی خود لذت ببرید، چون نمی دانید واقعاً خوشگل شدید یا نه؟ در واقع آینه وسیله ای است که انسان به واسطه ی آن از زیبایی خود لذت می برد!

آینه درون

تا حالا شده جلوی آینه بایستید و با خودتان بگویید که، آینه فقط ظاهر مرا نشان می دهد پس باطنم را چگونه مشاهده کنم؟ آینه به من کمک می کند که ظاهرم را زیبا کنم، پس با چه چیزی درونم را زیبا کنم؟ چه وسیله ای و یا چه کسی می تواند مثل آینه زشتی و زیبایی های مرا عین واقعیت بیان کند و مثل آینه بی صدا و ساکت، بدون غرض و مرض، روبه روی خودم نه در پشت سرم، زیبایی و زشتی هایم را بزرگ نکند و همان گونه که هست نشان دهد و به حال و مقامم نگاه نکند و صادقانه آنها را بگوید و در آخر نیز، من هم از بیان واقعیت ها دلخور نشده و آن را نشکنم و خود را اصلاح کنم. پس به راستی طبق فرموده حضرت پیامبر اکرم (ص) «مؤمن آینه مؤمن است»

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۲۶

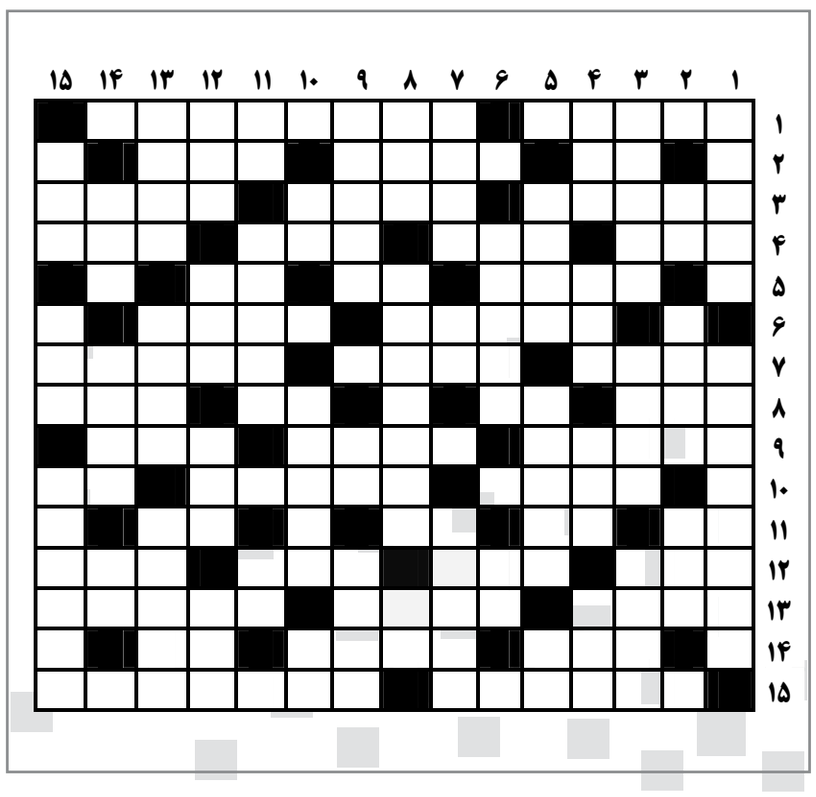

افقی:
۱-ظالم- از شهرهای ترکیه
۲-گاهی به جای نه می‌گویند- نژاد- پرنده‌ای خوشخوان
۳-ملون- داستان بلند- مرکز پرو
٤-از حروف فارسی- آب چشم- از خوردنی‌های حرام- کاشت بارانی
۵-سزاوار- از توابع کرمان- غذای مریض
٦-منسوب به پروردگار- دریاها
۷-روزها- جنسی برای کفش- منسوب به یمن
۸-زحمت و مرارت- یار شلوار- خاندان- قرض
۹-نامی دخترانه- بازکننده قفل- همنشین پیاز
۱۰-بلبل- سرپرستی- تعجب زنانه
۱۱-همکار سوزن- ساز چوپان- قبول نیست- خاک کوزه‌گری
۱۲-خطاب عتاب‌آلود- گل ناامیدی- روزگار- مقصد
۱۳-کودک پدر از دست داده- متخصص- کنایه از چیز نایافتنی
۱٤-رشته‌کوهی آمریکایی- مژده- یکصد مترمربع
۱۵-نوعی معامله شرعی- رونق و خرمی

عمودی:
۱-از مصالح ساختمانی قدیمی- کشوری در آمریکای جنوبی
۲-توان- دماغ- نوعی مصالح ساختمانی قدیمی
۳-برادر شنگول- جمع جن- از شهرهای عربستان سعودی
٤-از جنس گچ- باغی زیبا در شیراز- سنگینی یک شیء را گویند- مکانی در مکه
۵-جانشین- از شاعران متقدم فارسی- مدخل ساختمان
٦-سخت‌دلی- مادر عرب
۷-تاب شیرازی- مذکر- وسیله ارتباطی
۸-پدر زال- کوهی در خراسان شمالی- خدای درویشان
۹-از بیماری‌های چشمی- پهلوان- بحر
۱۰-رطوبت- محل کار کارمند- خرس آسمانی
۱۱- دهان- نام مادر حضرت یوسف (ع)- صریح
۱۲- وسیله پرواز- غذای شب- پوشش- ذکر
۱۳- سیاهرگ- بخردی- از شهرهای عراق
۱٤- گوسفند شیرده- قدرت- از توابع تهران
۱۵- آرزو- وسط- کشوری مسلمان و اروپایی

جواب جدول شماره ۹۴/۷۲۵

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ن	ب	و	ه	■	ا	س	ی	پ	ش	ن	ا	س	ی
۲	ر	■	ا	ی	■	■	ل	ا	م	■	ن	ی	م	■	ک
۳	ک	ن	د	ر	■	■	م	ر	ا	د	■	ل	و	ق	ا
۴	ا	ر	ا	■	س	م	ک	■	م	و	م	■	ر	ه	ن
۵	ن	■	م	و	ط	ن	■	م	ه	■	ا	ش	■	ر	■
۶	■	م	■	ب	ی	ک	ا	ر	■	ت	ر	م	ز	■	ن
۷	ن	ا	س	ا	■	و	ا	د	ی	■	ک	س	ا	ل	ت
۸	ی	ل	ه	■	ن	ا	ب	■	ا	ر	ن	■	ه	ا	ن
۹	ک	ی	و	ا	ن	ک	و	ر	ه	■	ر	د	پ	■	■
۱۰	ا	■	ی	ک	س	ر	■	ی	ا	ر	ا	ن	■	ی	ا
۱۱	ر	م	■	ا	د	ا	■	ا	■	چ	ا	■	ت	■	س
۱۲	ا	ل	ف	■	ن	م	ک	س	■	ب	ا	■	ر	ف	■
۱۳	ک	ل	ی	م	■	چ	ا	د	ه	■	ک	ا	ن	و	ن
۱۴	و	■	ا	ی	ل	■	ب	ر	ی	د	■	ر	ک	■	ا
۱۵	ا	س	ت	غ	ف	ا	ر	■	ل	ر	د	■	و	ا	چ

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۰۰

6		1		7	2			3
	2			3	6	8		
	9		8				2	
		4	6					8
2		9		8		4		6
8					3	1		
	1				4		3	
		6	1	9			8	
7			3	5		9		1

جواب جدول شماره ۹۴/۱۹۹

3	5	6	7	8	1	4	2	9
1	9	7	4	5	2	8	6	3
8	2	4	3	6	9	5	7	1
9	7	8	6	1	5	2	3	4
4	1	3	2	9	7	6	5	8
2	6	5	8	4	3	1	9	7
6	8	2	9	7	4	3	1	5
7	4	1	5	3	6	9	8	2
5	3	9	1	2	8	7	4	6

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره انفطار

ولی یک وقت انسان یک حرص و شره احمقانه‌ای پیدا می‌کند و می‌رود سراغ یک پیرزن تا از او خواستگاری کند. پیرزن به او می‌گوید: چرا آمدی خواستگاری من؟! تو سنت چهل سال است و من شصت سالم است!

می‌گوید: من شصت سال را هم قبول دارم. می‌گوید: ببین توی دهانم یک دندان نیست و پشتم خم شده. می‌گوید: من قبول دارم. آن پیرزن در کمال صداقت ضعف‌هایش را ارائه می‌دهد، ولی این شخص از درون خودش آنچنان شیفتگی نشان می‌دهد و عجله و شتاب دارد که هر چه او با صداقت عیب‌های خودش را بیان می‌کند، می‌گوید مهم نیست.

حالا اگر با این پیرزن ازدواج کند، آیا بعداً حق دارد که بگوید ما را گول زدند؟! نه، تو گول خوردی ولی کسی تو را گول نزد.

داستان ملاباشی

ملاباشی که در اصفهان بود و آدم خیلی بدگِلی بود و پیرمرد هم بود، زنش مرده بود. رفتند و برایش زن دیگری خواستگاری کردند. بعد از چند روز رفقایش او را دیدند و پرسیدند:

چطوری؟ گفت: خیلی عالی! گفتند: چطور؟ گفت: هر دوی ما به هم خیلی احترام می‌گذاریم؛ من به او احترام می‌گذارم چون او از من بزرگتر است، او به من احترام می‌گذارد چون من از او خوشگل‌ترم!

[غرض اینکه] اگر او واقعاً خودش را نمایان کرده باشد و ضعف‌های خودش را نشان داده باشد، اینجا نمی‌شود گفت گول زده. اینجاست که امیرالمؤمنین(ع) می‌گوید: این حرف‌های مهمل چیست که می‌گویید «دنیا گول زد»؟! دنیا چه چیز را کتمان کرده؟! دنیا کی روی واقعیت خودش پرده کشیده است؟! دنیا قاعده‌ای دارد، حساب و نظامی دارد و در نهایت صراحت، خودش را آنچنان که هست ارائه داده است.

سخن امیرالمؤمنین(ع) در مورد دنیا

در کلمات قصار [علی(ع)] مطلبی است به همین مضمون، نوشته‌اند: امیرالمؤمنین مواجه شد با مردی که دنیا را مذمت می‌کرد. (شنیده بود که اولیای خدا دنیا را مذمت می‌کنند، بدون اینکه بفهمد آنها چه می‌گویند و منطقشان چیست.) فرمود:

ایها الذام للدنیا، المغتر بغرورها، المخدوع باباطیلها... متی استهوتک ام متی غرتک ای مذمت کننده دنیا! ای کسی که مغرور شده‌ای به غرور دنیا! ای کسی که فریب خورده‌ای به اباطیل دنیا! می‌گویی دنیا تو را فریب داد؟! کی دنیا تو را فریب داد؟! تو فریب خوردی ولی او فریب نداد.

کی دنیا تو را به زور کشانید به جایی؟! تو خودت رفتی. بعد فرمود: دنیا با وضوح و صراحت، خودش را هر چه هست نشان می‌دهد و می‌گوید: من عالم حرکت هستم، عالم رفتن هستم، عالم تولد هستم، عالم وفات هستم، عالم کودکی، جوانی و پیری هستم. آیا دنیا اول حقیقت خودش را مخفی کرد و به انسان گفت تو تا ابد در اینجا هستی، و بعد او را برد؟!

یا اینکه در کمال صراحت حقیقت خودش را نشان داد؟! آیا وقتی که پدرت را گرفت و برد و خودت او را به خاک سپردی، همان جا تو را فریب داد؟!

ابمصارع آبائک من البلی ام بمضاجع امهاتک تحت الثری. آیا در آن مصارع که پدران تو در مبارزه با مرگ زمین خوردند تو را فریب داد؟! یا در آن مضاجع که مادرانت را در زیر خاک‌ها جلو چشمت می‌بینی تو را فریب داد؟!

دنیا معلم است، دنیا مدرس است، دنیا واعظ انسان است، دنیا مذکر انسان است. می‌فرماید: ان الدنیا دار صدق لمن صدقها. دنیا، دار صداقت است برای کسی که با آن با صداقت باشد. تو با دنیا صداقت داشته باش، ببین دنیا چقدر با تو صداقت دارد.

تا اینجا همه سخن در این است که دنیا کسی را گول نزده و کسی را فریب نداده، دنیا دروغ نمی‌گوید و خیانت نمی‌کند. این عیب‌ها را که نفی می‌کند، یک دفعه شروع می‌کند و دنیا را تقدیس می‌کند. می‌فرماید: مسجد احباء الله و مصلی ملائکه الله و مهبط وحی الله و منجر اولیاء الله.

دنیا معبد اولیای خداست؛ یعنی اگر کسی ولی خدا باشد، تمام این زندگی دنیا از تولد تا مرگ، برای او به صورت یک معبد و مسجد در می‌آید؛ خوابش و بیداری‌اش می‌شود عبادت، غذا خوردنش و راه رفتنش می‌شود عبادت، نگاه کردنش و حرف زدنش می‌شود عبادت، همه اینها برای او می‌شود عمل صالح و سعادت اندر سعادت در دنیا و آخرت.

متجر اولیاء الله یعنی اولیای خدا در این بازار، بازرگانی می‌کنند و سود می‌برند. این دنیا بازار است، اگر انسان در خانه بنشیند باید از جیبش بخورد. انسان باید برود در بازار و مرکز داد و ستد، در آن مرکزی که باید فعالیت و کار و کسب و خرید و فروش کند، تا در این میان خود انسان هم سودی ببرد.

متجر اولیاء الله یعنی اگر دنیا نبود کسی افزایش و سودی نداشت. یعنی اگر دنیا نبود انسان متولد می‌شد و می‌مرد بدون اینکه بر سرمایه هستی خود بیفزاید. در دنیا انسان خود را تکامل می‌بخشد و بر سرمایه هستی و سرمایه معنوی خود می‌افزاید. این جمله متجر اولیاء الله خیلی معنی دارد.